

چه کسانی خیابان را به آشوب کشیدند، از پمپئو و موساد تا بازیگران فراری و صهیونیپهلویست‌ها

نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم



– «این یک انقلاب ملی است و شما دارید از ایرانی ها، حمایت می‌کنید.»
+ «منم با این انقلاب ملی‌ام، ولی این راهش نیست.»
– «اگر پرچم ایران را زدی، زدی وگرنه تووین.....

(می‌کشتم)»

+ «با این کار فقط چهره ما را خراب می‌کنید.»

این بخشی از گفت‌وگو در یک رستوران ایرانی در وین است که مالک آن، مرتضی صادقی است. ایرانیان به‌اصطلاح مبارز سلطنت‌طلب در میان تهدید او به نصب‌کردن پرچم شیرخورشید بودند که او هم پاسخ داد که راه مبارزه این نیست. چند روز قبل رسانه‌ها خبر از کشته‌شدن مالک این رستوران در اتریش دادند. همین یک روایت برای فهم آنکه واقعاً در ۱۸ و ۱۹ دی در خیابان‌های ایران چه گذشت، کافی است و نیازی به دسترسی به اسناد و اطلاعات خاصی نیست. جماعتی که حتی به اندازه نصب یک پرچم حد اختیار برای مردم، قائل نیستند، چگونه مدعی‌اند که قماششان با همین رویکرد خشن و برنامه‌ریزی‌شده در فراخوان‌های ۱۸ و ۱۹ دی، با دست خالی و بدون اتکا به خشونت، مظلوم واقع شدند، آن هم در حالی که اطلاعات زیادی از استفاده هرنوع سلاح سرد و گرم توسط این جماعت وجود دارد. همه آنچه در ۱۸ و ۱۹ دی گذشت و دامنه آن به خارج از کشور هم کشیده شد، نشان داد، برای جماعت پهلوی‌چی دست زدن به خشونت و قتل و آدم‌کشی با روش‌های ساواک، حتی بدتر از آنچه تروریست‌های داعشی در سوریه انجام دادند، اقدام سختی نیست با این تفاوت که سلفی‌های داعش با گفتنانی مشخص اما افراطی‌گونه، دست به این جنایت می‌زدند اما جماعت پهلوی‌چی، حتی پاسخی برای این پرسش ندارند که چرا یک فرد آن هم به‌خاطر نصب نکردن پرچم، باید کشته شود؟

– کمک‌هایی که رسید

آشوب‌طلبان، تخریب‌گران و تروریست‌ها در وقایع ۱۸ و ۱۹ دی دست تنها نبودند. برای آن‌ها از ماه‌ها قبل تر تدارکاتی دیده شده بود. این موضوع را آن‌ها در روزهایی که گمان می‌کردند همه چیز تمام است، اعتراف کردند. **۱ حضور کارمندان موساد در ایران:** «سال نو مبارک، به همه ایرانیانی که در خیابان‌ها هستند، همچنین به هر مامور موسادی که در کنترشان قدم می‌زند.» این پیامی بود که مکی‌پویو، وزیر خارجه سابق آمریکا بعد از اتفاقات تلخ ۱۸ و ۱۹ دی ماه، در شبکه ایکس منتشر کرد.

۲ کمک خارجی به حلقه‌های آشوب: او بعداً در گفت‌وگویی با کانال ۱۳ اسرائیل، در واکنش به صحبت‌های رئیس‌جمهور آمریکا که مدعی شده بود کمک‌ها به معترضان در راه است، گفت: «کمک‌ها رسید، کمک‌های زیادی رسید، ممکن است ما آن را نینیم یا از آن خبر نداشته باشیم، اما من کاملاً مطمئنم که ایالات متحده تلاش کرده هر کاری از دستش برمی‌آید برای حمایت از مردم انجام دهد.» اظهاراتی که اثبات می‌کند موساد و آمریکا نقش‌آفرینی مستقیمی در ایجاد خشونت سازمان‌یافته در خیابان‌های ایران داشتند و اسم رمز آن را هم کمک به مردم ایران گذاشته بودند، کمک‌هایی که شاید در ظاهر نرسیدند؛ اما به گفته پمپئو اتفاقاً این کمک‌ها به مقصد رسیدند. ردپای این کمک‌ها را باید در خشونت سازمان‌یافته‌ای در خیابان‌های ایران جست‌وجو کرد که منجر به ازدمست‌رفتن ۲۴۲۷ شهروند ایرانی شده است.

– سایبری‌ها زمینه‌ساز آشوب در خیابان

در یک سطح پایین‌تر بلاگرهای مجازی وظیفه این سازماندهی را به عهده گرفتند. ادبیات عریان خشونت‌آمیز آن‌ها در فضای مجازی نشان می‌داد که آن‌ها دقیقاً به دنبال چه چیزی هستند و هدف‌گرفتن تلفات در خیابان، برای هموارکردن مسیر حمله نظامی به ایران است. در ادامه به برخی از جریان‌های سازماندهی‌شده، اشاره شده است.

۳ اشکان خطیبی، افسر وفادار موساد: اشکان خطیبی به‌عنوان یکی از بازوهای رسانه‌ای موساد، فردای روز فراخوان در

صفحه ایکسش نوشت: «دیشب در تهران هم از میان مردم به سوی نیروهای سرکوب تیراندازی شده». خطیبی در آستانه شروع فراخوان‌ها هم در صفحه‌اش نوشت: «مامور افتاد دستتون بهش رحم نکنید...دست خالی نرید تو خیابون، رحم نکنید.» چند روز بعد او عملاً از لفظ جنگ داخلی علیه آنچه اتفاق افتاد بود استفاده کرد و تلاش کرد این دعوا را به جنگی بین آن‌ها و شیعیان تبدیل کند و نوشت: «گفته بودم این به جنگ داخلی بین ما و بچه شیعه». بخشی از ادبیات خطیبی، نشان از تلاش او برای تحریک نسبت به رقم‌زدن خشونت آن هم در حد اعلای خود داشت. **۴ احسان کرمی، دفتر تلفن موساد:** احسان کرمی، خشونت سازمان‌یافته را در روزهای بعد با انتشار عکس و مشخصات برخی از چهره‌های داخل کشور به‌خاطر همکاری با جمهوری اسلامی به روش دیگری انجام داد. یک‌بار دست به فحاشی علیه محمدحسین میناقی زد و شماره تلفن شخصی او را او منتشر کرد. یک‌بار علیه گلشیفته فراهانی به‌خاطر اظهاراتش در مصاحبه با فرانس ۲۴ صحبت کرد و او را به‌خاطر نسبت خانوادگی‌اش، چاقو، قمه و اسلحه‌هایی که سال‌هاست حتی در ارتش‌های کشورها استفاده نمی‌شوند به شهادت رسیدند. خشونت‌های سازمان‌یافته آن‌ها در چند بخش انجام شد که رسانه‌های فارسی‌زبان خودشان آن را روایت کردند.

– خشونت می‌سازیم، پس هستیم

نتیجه این دعوت و تحریک به رقم‌زدن خشونت در خیابان به‌روشنی قابل مشاهده است. به‌شهادت‌رسیدن صدها ایرانی که عمدتاً با سلاح‌های غیر متعارف مثل دشنه، چاقو، قمه و اسلحه‌هایی که سال‌هاست حتی در ارتش‌های کشورها استفاده نمی‌شوند به شهادت رسیدند. خشونت‌های سازمان‌یافته آن‌ها در چند بخش انجام شد که رسانه‌های فارسی‌زبان خودشان آن را روایت کردند.

۵ به کلاتسری حمله کردیم: «در منطقه هفت تیر (مشهد) معترضان در آستانه به دست گرفتن کنترل کلاتسری بودند.» این روایتی بود که کانال اینترنشنال از تصرف یک کلاتسری در مشهد نوشته بود. یکی دیگر از کانال‌های منسوب به پهلوی‌چی‌ها ویدئویی از حمله به کلاتسری در نازی‌آباد منتشر کرد و نوشت: «دفعه بعد، رگبار مسلسل‌هایمان از نیروهای نظامی‌پذیریای خواهد کرد.» خودروی نیروهای حکومت (که در واقع ماشین پلیس راهنمایی راندگی بود)در آتش سوخت. این تیرتی بود که کانال صهیونیستی اینترنشنال آن را منتشر کرد.

۶ ما مسلح بودیم: در ادامه سلسه ویدئوها، کانال‌های وابسته به دارودسته خشونت‌طلب در عین آنکه خشونت عریان را بازنامایی می‌کردند به دعوت و تحریک برای مقابله با مقرهای نظامی مثل پایگاه‌های پلیس ادامه می‌دادند، کانال تروریستی مجله آزادی، ویدئویی از تیراندازی کودکانچاپان به خودروهای گشت انتظامی منتشر کرد، این کانال در پست دیگر، تصویری منتشر کرد که نشان می‌داد افرادی که در جریان فراخوان‌ها در چالوس حضور داشتند، مسلح بودند. «زیر گرفتن نیروهای نظامی با خودرو» در گلشهر کرچ، ویدئوی دیگری بود که این کانال تروریستی منتشر کرد.

۷ ما آدم کشیم: اینن کانال‌ها روایت یا همان اعتراف تروریست‌ها را هم منتشر می‌کردند؛ یکی از این کانال‌ها به روایت یکی از حاضران نوشت: «من بچه اطراف اصفهان هستم در اصفهان سه نفر را کشتم، شیشه‌های بانک را شکستم، پایگاه بسیج آتش زدم و به کلاتسری حمله کردیم.»

یک جوان که لباس بسیجی برتن دارد را در جوب بزرگی گیر انداخته‌اند و تا می‌توانند بسا هرچه دارند او را می‌زنند. این ویدئو را خود کانال‌های منسوب به حلقه‌های آشوب منتشر کردند که سند دیگری از خشونت عریان آنهاست.

این کانال‌ها در ادامه ویدئوهای سرشار از خشونتشان، تصویر یک پاسدار که در جریان درگیری‌ها جانش را از دست داده بود را منتشر کرده و نوشتند



«این پاسدار پیش‌تر در مشهد، هدف خشم مردم و جوانان معترض قرار گرفته و به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.» این ادعا همان اذعان آنان به دست‌زدن به کشتار بود.

۸ به خشونت ادامه دهید: این کانال‌ها در پیام‌های تلگرامی‌شان همچنان به دعوت ادامه داده و نوشتند: «ترقه‌بازا، اکلیل سرنج یادتون نره، درست کنید ببرید، حتی یک ذره هم بهشون رحم نکنید.» در پست دیگر این کانال‌های حامی آشوب هم این‌طور دعوت به خشونت کردند «اصلاً بهشون رحم نکنید، زیر دست‌وپا لهشون کنید.» و در جای دیگر نوشت «اگه سرکوب‌گرای شهروتن را می‌شناسید و خونه‌شونو بلدید، حتماً برید به خونشون هجوم ببرید. اصلاً هم رحم نکنید.»

همه این ادعاها، تلاشی برای زنده نگه‌داشتن خشونت و رساندن آستانه خشونت به نقطه اوج برای گرفتن تلفات، بود.

۹ فقط ۷۴۹ کلاتسری: نتیجه این دعوت‌ها و بازنامایی‌های خشونت‌آمیز، حمله به ۷۴۹کلاتسری بود. این حجم حمله علاوه برآنکه نشان از تلاشی برای رقم زدن شبه کودتایی درون کشور بوده اما وجه دیگری هم دارد، طبیعی است که حمله به مراکز نظامی که سلاح در آن نگهداری می‌شود، مسالمت‌آمیز تمام نخواهد شد و حلقه‌های آشوب با علم به اینکه حمله به این مراکز نظامی چه هزینه‌های مالی و جانی برای مردم و حاضران در جمعیت به همراه خواهد داشت، سرحلقه‌هایشان را به سمت کلاتسری‌ها هدایت کردند.

۱۰ آتش زدن یک باشگاه به خاطر هیچ: حتی با فرض محال اگر برای حمله تروریستی به مراکز نظامی و خودروهای متعلق به این مکان‌ها و حتی نظامیان بتوانند توجیهی بتراشند، آسیب به اموال عمومی و دور افتخار زدن با آن، توجیهی ندارد.

بیشترین شعله‌های آتش متعلق به ساختمانی بود که صاحب آن از طریق تماس‌های تلفنی از جزئیات آن خبردار شده بود. یک باشگاه با مالکیت خصوصی که کوچک‌ترین ارتباطی به ناآرامی‌ها نداشت. صاحب این باشگاه، می‌گفت: «من کجای این قصه ایستاده بودم که این اتفاق برای

من افتاد؟ این قضیه چه ربطی به من دارد؟»

۱۱ دور افتخار با حمله به فروشگاه‌های زنجیره‌ای: جوانی که وسط خیابان ایستاده، یخچال فروشگاه کوروش را روی زمین انداخته، دورتا دور آن مواد غذایی روی زمین است و در میان آتش و دود، رستی فاتحانه گرفته است. نمونه‌های زیادی از این تصاویر که رسانه‌های وابسته به حلقه آشوب آن را به اسم اعتراض مردم منتشر کردند قابل مشاهده است. کانال‌هایی که منتهی‌الیه خشونت را با این تصاویر به نمایش می‌گذارند اما به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که آسیب به اموال و مواد غذایی کجای اعتراض مسالمت‌آمیزشان است؟

۱۲ نمی‌گذاریم این آتش خاموش شود: تصاویر دوربین مداربسته از میدان صیقلان رشت نشان می‌دهد، جریان آشوب بعد از آنکه بازار را آتش می‌زنند اجازه نمی‌دهند که آتش نشان‌ها وارد بازار شوند. این در حالی است که آن‌ها روایتی وارونه از این اتفاق منتشر و مدعی شدند که این نیروهای امنیتی هستند که اجازه نمی‌دهند آتش‌نشانی وارد شود.

۱۳ ما با اسلام جنگ داریم: «ما با اسلام جنگ داریم: این الله‌اکبرشونه من به آتش می‌کشم، این جنگ با اسلام است.» «این اسلام و مسلمان را چنان بسوزانیم که درس عبرتی برای کل جهان شود.» «مسجد را نابود کردند.» کنار هم قرار دادن این اظهارات که در روزهای آشوب از زبان حامیان تروریسم بیان شد و سطح خشونت زبانی که علیه مسلمانان داشتند تا حد زیادی نشان داد چه کسانی دست به آتش زدن و تخریب ۲۶۳ مسجد زدند. یکی از همین قماش پهلوی‌چی در ویدئویی که در کنار ربیع پهلوی منتشر کرده، صراحتاً می‌گوید که «پرچم‌های اسلام را آتش بزنید.» فرد دیگری در ویدئو عملاً دست به توهین و فحاشی به مقدسات زده و با توهین به امامزادگان و دین می‌گوید: «نمی‌گذاریم نسل شما باقی بماند.» این اظهارات تا حد زیادی روشن می‌کند که چه کسانی دست به آتش‌زدن امامزاده‌ها و تخریب مکان‌های مقدس مردم زدند.

یک خانوادهٔ داغ‌دار

ادامه از صفحه یک

چشم‌هاش بسته بود، مثل کتابی که خواننده بدون اینکه به نوسپنده زمان بدهد تا اصل داستان را بگوید آن را در صفحات میانی بسته و کنار گذاشته باشد. لب‌های کبودش دوربریدگی داشت، مثل نگین انگشتری که رگه‌های سیاه داشته باشد و صورتش....آخ از صورتش... زپ کاور را بالا کشیدم و چهره‌اش را پوشاندم، پس بود، برای خداحافظی خیلی هم بیش از اندازه به جزئیات دقت کرده بودم. می‌خواستم از این به بعد هرچه از او به‌خاطر می‌آورم آن چشم‌های مشتاق، آن گردن برافراشته، آن موهای صاف و مرتب و آن لب‌های همیشه خندان باشد. می‌خواهم یادم نرود که چه دسته‌گلی را توی خاک گذاشتم، یادم نرود که چه آفتابی را پنهان کردم، می‌خواهم وقتی روضه علقمه شنیدم برادرم را فراموش نکرده باشم. بیادآورن نعمت است، برای همین دیوار خانه‌ام پر از پدرم است، پر از اخم و لبخند ابراهیم!

– آن چه فراموش می‌شود / نمی‌شود

امروز چهلم شهدای ماست. شهدای ما که ایرانم. شهدای ما که خانواده‌یم. شهدای ما که همه مردم ایران هستیم. بدون شک بخشی از جزئیات این روزهای خاکستری را فراموش می‌کنیم، فردا دوباره با همسایه‌های مخالف نظر مان دست می‌دهیم و به هم کمک می‌کنیم. فردا دوباره پشت هم می‌ایستیم و از ایران دفاع می‌کنیم و این خاصیت فراموشی است. قاسم سلیمانی در یکی از سخنرانی‌ها جمله‌ای می‌گوید که مانیفست خانواده ماست. یکی از آن سخنرانی‌ها که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. نگران به نظر می‌رسد و به‌صورت مشهودی با هیجان و ریتم بالا صحبت می‌کند. انگار از دست کسی ناراحت است و یک بند طلایی می‌گوید. یک پاراگراف که باید همه ما روزی یک‌بار آن را مرور کنیم؛ پاراگرافی که همه آن را گوش دادیم: «همان دختر که حجاب، دختر مننه، دختر ما و شماست؛ نه دختر خاص من و شما اما جامعه ماست. فقط رابطه حزب‌اللهی با حزب‌اللهی معنا نداره. رابطه حزب‌اللهی با کسی که دینش ضعیف‌تره موضوعیت داره. جامعه ما خانواده ماست، این‌ها مردم ما هستند.»

بله، به‌جز تروریست‌های مسلح، تمام آن خانواده‌های داغ‌دار خانواده ما هستند. ما که مردمیم. ما که داغ تمام آدم‌ها را واقعاً به دوش کشیدیم و بااعتبار گریه‌های عمومی در محافل خصوصی کاسی نکردیم. ما که هرکس را که ایرانی فکر می‌کند از خودمان می‌دانیم. یک روزی جزئیات را از خاطر خواهیم برد و این نعمت است. اما نعمت یادآوری به ما اجازه نخواهد داد که فراموش کنیم اسلحه را چه کسی در خیابان پخش کرد. اجازه نخواهیم داد کسی در چهلم عزیزان ما پیراهن مشکی بپوشد که هنوز کش هایش از رقصیدن روی خون خواهران و برادرانمان خیس است. اجازه نمی‌دهیم خون هم‌وطنان ما را در کیسه‌های کوچک و بزرگ حراج کنند. ما حواسمان هست که چه چیزی را فراموش می‌کنیم و چه چیزهایی را به‌خاطر می‌سپاریم.



سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۳۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

